

آخرین کار من - یک دیوار

نوشته خوان میرو

مقاومت کنند. شک نیست که آرتیگاس تنها کسی بود که می‌توانست این مسائل بسیار دشوار را حل کند.

وی، همچون کمیابگری از روزگار باستان، به نوع خاک و ماسه سنگی که لعاب مینایی باید از آن ساخته شود و رنگهایی که باید به کار رود توجه کرد. کار او واقعا خلاق بود.

سپس ناگهان در اندیشه دیدار از سانتیلانا دلمار افتادیم تا نظر تازه‌ای به نقاشیهای غار معروف آلتامیرا بیندازیم و از کهنترین هنر دیواری باستانی الهام بگیریم. هنگامی که در «کولزیاتا» یعنی کلیسای رومی وار سانتیلانا بودیم، تحت تأثیر زیبایی خارق‌العاده مصالحی که بر روی یک دیوار قدیمی به کار رفته و در معرض رطوبت قرار گرفته بود، قرار گرفتیم. آرتیگاس یادداشتی به منظور تهیه زمینه کار خود برداشت.

پس از پایان دادن به دیدار خود از سرچشمه الهام، در این اندیشه افتادیم که باید همچین به جایی سفر کنیم که بتوانیم نفوذ هنرمندان کاتالونیایی سبک رومی‌وار و نیز کارهای آنتونیو گودی (Gaudi، معمار اسپانیایی) را احساس کنیم. در موزه بارسلونا فرسکوهای فراوان به سبک رومی‌وار وجود دارد که در همان زمان که به کار نقاشی آغاز کردم در من تأثیر کرده است. سرانجام به دیدار آثار گودی در پارک گوئل توفیق حاصل کردیم، و در آنجا دیدار قرص بزرگی که بر دیوار قرار گرفته بود مرا سخت به خود جلب کرد. بسیار به قرصی شباهت داشت که می‌خواستیم بر دیوار بزرگتر یونسکو در پایس حک و رنگ آمیزی کنم، و این تطابق را همچون تأیید و تقویتی برای هدفی که خود انتخاب کرده بودم دانستم.

آرتیگاس از مصالحی که ما به کار می‌بردیم راضی نبود و بیم آن داشت که نظم هندسی قطعات سرامیک ممکن است به احساس و «زنده بودن» کار آسیب برساند. سپس به یاد دیوار کلیسای کولزیاتا افتاد، و به این توفیق دست یافت که در آزمایشهای مقدماتی خود همان عمق احساسی را که در آنجا به ما دست داده بود تولید کند. درست به همین گونه. دیدار دیوارهای نمازخانه قدیمی در گالیفا الهامبخش ما شد. در آنجا دریافتیم که، برای تصمیم گرفتن درباره تقسیم دیواری که باید آن را تزیین کنیم، لازم است به فکر بی‌نظمیهای «هراسناک» سنگها در گالیفا بوده باشیم. لازم بود دوباره شروع کنیم و تسخه سنگهایی به اندازه‌های مختلف به کار بریم.

حال که دریافته بودیم چگونه باید تسخه سنگها و پایه را ترتیب دهیم؟ آتش کردن نخستین کوره سرامیک برای ما هیچ گونه دشواری نداشت. هر گونه احتیاطی به کار برده شده باشد، نخستین کوره عامل تعیین کننده است؛ عمل آن غیر قابل پیش‌بینی و تصمیم آن قاطع است. یک دشواری دیگر در پیش رو قرار داشت، و آن بزرگی دیواری بود که در برابر من بود. اگر بنا باشد بعضی از اشکال و خطوط شکل و اصالت خود را حفظ کنند، لازم است با یک ضربه قلم مو ترسیم شوند. برای این منظور قلم مویی را به کار گرفتم که دسته‌ای بلند داشت و از الیاف نخل ساخته شده بود. هنگامی که آرتیگاس مرا با قلم موی پنج شش متری در دست مشاهده کرد، نفس در سینه‌اش بند آمد. یک اشتباه ممکن بود کار چندین ماه را نابود کند.

نوامبر ۱۹۵۸

خوان میرو Joan Miró (۱۸۹۳ - ۱۹۸۳) نقاش اسپانیایی، یکی از بزرگترین هنرمندان قرن بیستم بود. در جوانی در نهضت سوررئالیستی پاریس شرکت جست و چندین سال در آن شهر زیست. ساختن دو سرامیک بزرگ برای مرکز یونسکو در پایس به او سفارش شد و او در این مقاله از این دو دیوار سرامیکی سخن می‌گوید که یکی را «دیوار خورشید» و دیگری را «دیوار ماه» نام نهاده است.

واکنشی در برابر سطوح عظیم سیمانی پیرامون دیوار بزرگ، اندیشه یک قرص بزرگ به رنگ سرخ بر ذهن من خطور کرد.

قرینه آن بر دیوار کوچکتر می‌بایستی یک هلال به رنگ آبی متناسب با سطح کوچکترین دیوار بوده باشد... هدف من بیان اندیشه‌ای نیرومند و خام بر دیوار بزرگتر و نمایش دادن چیزی شاعرانه‌تر بر دیوار کوچکتر بود. نیز می‌خواستیم عنصری از تضاد در هر یک از این دو ترکیب به وجود آوریم، و به این دلیل طرحهای تند و پرتحرک را با اشکال رنگین پسر از سکون، در طرحی هموار و رنگین پهلوی به پهلوی قرار دادیم.

مرحله دوم کار بحث و تحقیق با آرتیگاس در این خصوص بود که نقشه من چگونه با سرامیک صورت اتمام پیدا خواهد کرد. هیچ سرامیک‌سازی پیش از آن با کاری به این عظمت روبه‌رو نشده بود. علاوه بر این، چون هر دو دیوار درهای آزاد و بدون حفاظ قرار داشتند، می‌بایستی در این باره بیندیشیم که تزیینات بر روی آنها تا چه حد در مقابل اختلالات دما و رطوبت و پرتو خورشید می‌توانند

در ۱۹۵۵ یونسکو از من خواست که در تزیین بناهای مراکز کار جدید آن در پایس که در آن زمان در دست ساختمان بود شرکت کنم. دو دیوار عمود بر یکدیگر - یکی به درازی پانزده و دیگری به درازی هفت متر و نیم نزدیک ساختمان کنفرانسها برای تزیین در اختیار من قرار گرفت. اندیشه من آراستن آنها با سرامیک به همکاری خوزه لورنس - آرتیگاس بود.

طراحی و رنگ آمیزی دیوارهایی که من می‌بایستی آرایش کنم، با الهام از شکل بناها و فضای گسترده آنها و نقشی که نور بازی می‌کرد، به من القا شد. به عنوان

میرو و آرتیگاس نقاشیهایی به اندازه اصلی از سرامیک در دره‌ای کوچک که بر فراز آن حلقه‌های عظیم از صخره‌ها و درختان قرار داشت در نزدیکی گالیفا بر پا ساختند پس زمینه سر به آسمان کشیده این تابلوها آنان را قادر ساخت که بدانند کارهایشان در برابر دیوارهای بلند و بزرگ ساختمانهای یونسکو چه جلوه‌ای خواهد داشت.

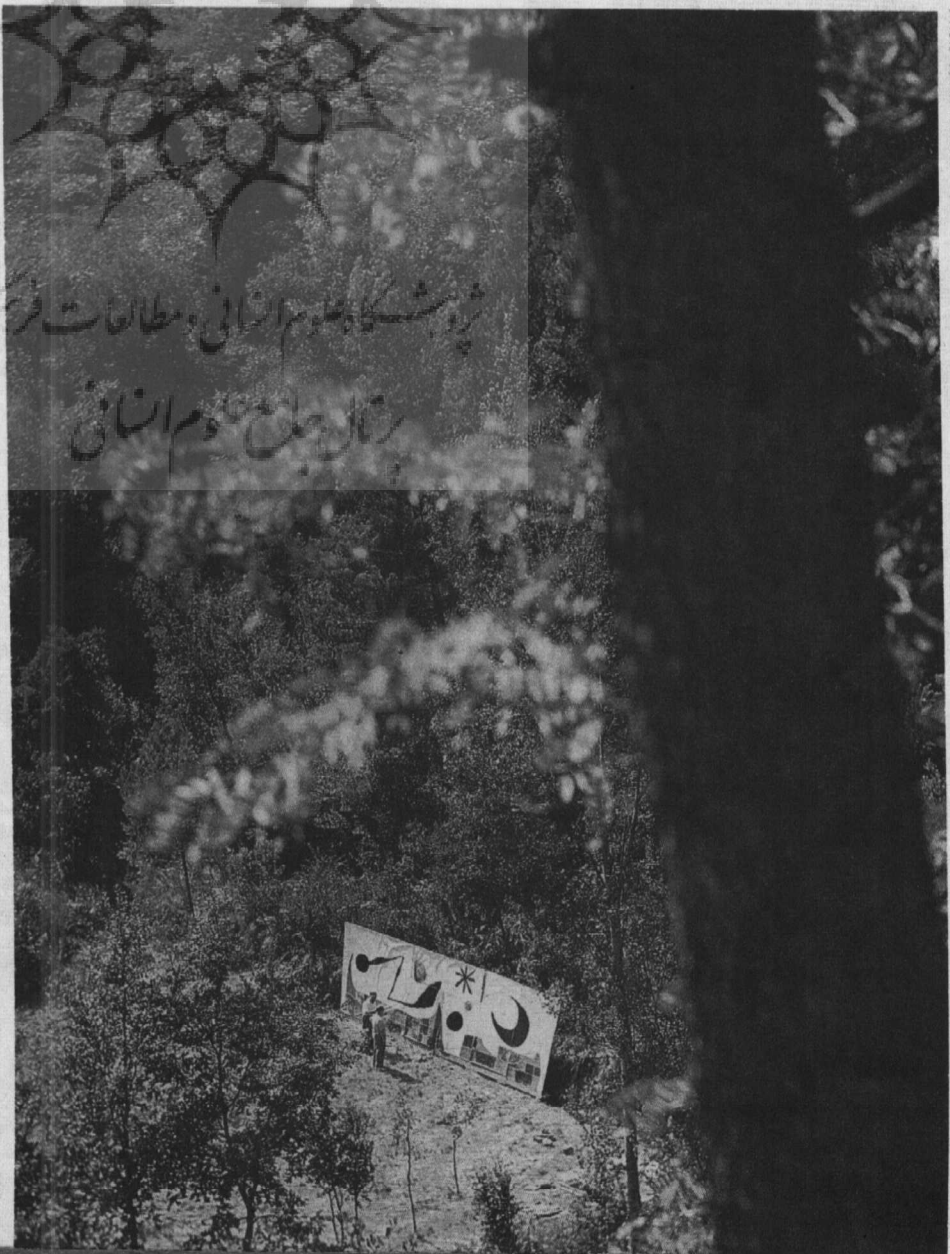


Photo: Catala Foca, Unesco